وقایعی مثل حمله به کنسولگری ایران در دمشق و شهادت چند سردار بزرگ وطن، نشان داد راهبرد حذف غده سرطانی صهیونیستی یک ایده ملی‌گرایانه تمام‌عیار است

محو اسرائیل برای حفظ ایران

فرهیختگان از فروردین ۱۴۰۲ تا فروردین ۱۴۰۳ رژیم صهیونیستی شش حمله نظامی علیه نیروهای مستشار ایرانی حاضر در سوریه انجام داده که حاصل آن ۱۷ شهید بوده است. این رقم نزدیک به دو برابر تعداد ۱۰ شهیدی است که در طول ۹ سال گذشته توسط رژیم صهیونیستی به شهادت رسیده بودند. این آمار نشان می‌دهد رژیم صهیونیستی در تقابل با ایران کنش جسورانه‌تری از خود نشان می‌دهد. برخی کارشناسان این افزایش حملات را واکنش رژیم صهیونیستی به شکست در نبرد غزه دانسته و علت آن را تلاش برای گسترش دامنه جنگ و جذب حمایت‌های نظامی و مالی بیشتر عنوان می‌کنند. برخی نیز اهمیت نیروهای به شهادت رسیده را نشان‌دهنده ضعف اطلاعاتی ایران دانسته و با منفعلانه توصیف کردن واکنش‌های ایران به اقدامات پیشین رژیم صهیونیستی این انفعال را عامل جسارت رژیم صهیونیستی برای تکرار جنایت می‌دانند. این گروه فهم تقلیل‌گرایانه از اتفاقات منطقه را عامل رویکرد انفعالی می‌دانند و معتقدند ایران باید برای افزایش بازدارندگی قدرت خود را با استراتژی‌های جدید و جامع بازتولید کند. به‌طور کلی اما برای بازگشت به بازدارندگی فعال باید چهار اصل مورد توجه قرار گیرد.

۱ واکنش‌ها باید به دور از هیجان و احساس باشد؛ اینکه بدون هیچ‌گونه پشتوانه و ایده جامعی صرفا با هدف پاسخگویی به مطالبه عمومی اقدامات تقابلی در دستورکار قرار گیرد احتمال خطا را بالا برده و به کلان ایده نابودی اسرائیل لطمه می‌زند.

۲ موثرترین اقدام در دستورکار قرار گیرد نه رسانه‌ای‌ترین؛ باید توجه داشته باشیم که در یک نبرد نظامی با توجه به انبوه چالش‌ها گزینه‌های محدودی برای عملیات وجود دارد که باید موثرترین آن پیاده‌سازی شده و ظرفیت نیروی انسانی و تجهیزاتی خرج آن شود. موثرترین اقدام نیز لزوما رسانه‌ای‌ترین اقدام نیست.

۳ پازل جنگ را کلان ببینیم؛ برای اینکه درکی از موقعیت ایران داشته باشیم و از این موقعیت تعبیر به قدرت یا ضعف کرده و متناسب با آن نسخه تجویز کنیم باید همه اقدامات را به‌صورت جامع و در یک پازل ببینیم در غیر این صورت با یک ضربه تلقی شکست و با یک دستاورد تلقی پیروزی از میدان خواهیم داشت که این امر ما را در تحلیل صحیح میدان عقیم می‌کند.

۴ تصمیم ملی درگیر جناح‌بندی‌های سیاسی نشود؛ علاوه‌بر مواجهه هیجانی عامل دیگری نیز وجود دارد که مواجهه عقلانی را به خطر بیندازد. اگر گروه‌های سیاسی صرفا برای سلب مسئولان از خود و مقصرنمایی رقیب رویکردهای یکدیگر را تخریب کرده یا رویکردهای پوپولیستی را در صحنه نبرد پی بگیرند مانع از اتخاذ رویکردهای عقلانی شده و امکان پیروزی در صحنه نبرد را کاهش می‌دهند.

برای بررسی هریک از دیدگاه‌ها به نوع مواجهه ایران با اتفاق روز دوشنبه و حمله به کنسولگری کشورمان در دمشق با کارشناسان حوزه بین‌الملل به گفت‌وگو نشسته و نگاه متفاوت هریک از آنها به اتفاقات رخ‌داده را تشریح کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

مهدی خراتیان، کارشناس مسائل سیاسی معتقد است درصورت نداشتن برنامه منسجم برای مقابله با اسرائیل معادلات به ضرر جریان مقاومت خواهد شد

تاکی فقط بگوییم نتانیاهو دستاوردسازی می‌کند

زهرا طیبی
خبرنگار گروه نقد روز

اتفاقی که دوشنبه در دمشق رخ داد، ترور فرماندهان سپاه توسط صهیونیست‌ها، بار دیگر بحث‌ها پیرامون این موضوع را که پاسخ و واکنش ایران در مقابل این اقدامات باید به چه شکلی باشد، داغ کرد. در این میان تقریبا دو دیدگاه و نظر درباره پاسخ ایران و تحلیل این اتفاق مطرح است؛ در یک سمت ماجرا نظر برخی تحلیلگران همچنان روی این موضوع استوار است که صهیونیست‌ها به‌دنبال کشاندن ایران به درگیری مستقیم با خود هستند و می‌خواهند از طریق این اقدامات ایران را برای ورود به این نزاع تحریک کنند. بر همین اساس ایران باید هوشمندی به خرج دهد و وارد این نزاع نشود. در نگاه این تحلیلگران تمام اتفاقات و ترورهایی که بعد از ۷ اکتبر رخ داده، به نوعی پاسخی به آن تلقی و گفته می‌شود این اقدامات برای جبران آن شکست سنگین صورت گرفته است. با این حال اما در سمت دیگر برخی تحلیلگران معتقدند ایران باید روندی را که تاکنون در برخورد با اسرائیل داشته تغییر بدهد؛ چراکه این روند منجر شده شدت حملات و اقدامات صهیونیست‌ها علیه ایران به مرور افزایش پیدا کند و این گزاره که اسرائیل تنها به دنبال تحریک ایران برای ورود به درگیری مستقیم است هم چندان درست نیست، زیرا اسرائیل مشخصا برمبنای یک برنامه‌ریزی و پلن مشخص درحال ترور فرماندهان ایران است و همین الان نیز ضرباتی به ایران زده که لازم است برای پاسخ دادن به این اقدامات، سیاست‌های درستی اعمال شود و به سمت بازدارندگی فعال و تولید قدرت جدید در منطقه حرکت کنند. به همین بهانه با مهدی خراتیان، مدیر اندیشکده احیای سیاست گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

اتفاق دمشق؛ ادامه طرح اسرائیل برای حذف عناصر کلیدی مقاومت

خراتیان در تحلیل ترور هفت نفر از فرماندهان سپاه در دمشق گفت: «اتفاق دوشنبه دمشق، ریلی است که اسرائیل از ماه دسامبر برای حذف عناصر کلیدی محور مقاومت گذاشته است. از ترور سیدرضی موسوی به این طرف، کاملا روشن است که اسرائیلی‌ها گام‌به‌گام درحال حذف هستند. این مساله بارها در رسانه‌ها و از جانب مقامات اصلی رژیم صهیونیستی مطرح شده و کاملا واضح است که در امتداد آن اقدامات تعریف می‌شود، به آن معنا اقدام غیرمنتظره‌ای برای ما نبوده که بگوییم خرق عادتی رخ داده است. مساله دیگر این است که در میان ترورهایی که قبلا اتفاق افتاده این ترور، ترور بزرگی بود، به این خاطر که شهید زاهدی به نوعی نفر اول صف ما در منطقه غرب آسیا محسوب می‌شد و مهره بسیار مهمی بود. برخی حتی گفته‌اند ترور ایشان بعد از ترور قاسم سلیمانی، مهم‌ترین ترور بوده است. برخی بعد از ترور شهید فخری‌زاده، ترور شهید زاهدی را مهم‌ترین ترور دانسته‌اند و رسانه‌های اسرائیلی این را مهم‌ترین ترور بعد از طوفان الاقصی دانسته‌اند. این نشان می‌دهد این ترور سطح بالا بوده است. نوع عملیات آن هم چون با کنسولگری ما مرتبط بوده، از لحاظ شکلی هم به‌نوعی خاص بود. درست است که این اقدام در امتداد کارهای قبلی اسرائیل است اما این پرونده را باید ارتقای سطح تنش در جنگ اطلاعاتی و ترورهای سازمان‌یافته تلقی کنیم. نمی‌توان به‌سادگی از کنار آن عبور کرد و حتما نیازمند پاسخ است اما شکل پاسخ و زمان آن محل بحث است.»

در سیاست‌هایمان با اسرائیل بازنگری نکنیم، دامنه ترورها گسترده‌تر می‌شود

خراتیان معتقد است تروری که در دمشق از جانب صهیونیست‌ها اتفاق افتاده بعد از تحلیل رفتارهای ایران صورت گرفته و توضیح داد: «در مورد اینکه اسرائیل چطور به خود جرات داده این کار بزرگ را انجام دهد، چند دلیل وجود دارد؛ این اتفاق با تحلیل رفتار و اقدامات ما در چندماه اخیر رخ داده است؛ هم نوع واکنش‌های ما به ترورهایی که قبلا انجام شد، هم نوع رفتارها، سیگنال‌های دیپلماتیک و امنیتی، اطلاعاتی، نظامی و سیاسی ما به‌دقت مورد آنالیز قرار گرفته و برآوردی در طرف مقابل ایجاد کرده که ایران محاسبه‌پذیر و قابل کنترل و پیش‌بینی شده است. بخش دیگر ماجرا هم این است که به‌نظر می‌رسد اسرائیلی‌ها مجوز این کار را از آمریکایی‌ها دریافت کرده‌اند. بعد از سفر گالانت به واشنگتن به‌نظر می‌رسد با حمله‌ای که به سوریه شد- بعضی این حمله را از لحاظ ابعاد بعد از جنگ یوم کیپور بی‌سابقه یا کم‌سابقه می‌دانستند- این ترورها نشان می‌دهد آمریکایی‌ها بسط یدی برای اسرائیلی‌ها تعریف کرده‌اند. ممکن است آنها لزوما در جریان ریز عملیات هم نبوده باشند ولی به اسرائیل مجوز داده‌اند از این به بعد بتوانند در سطح عالی‌تری با اقداماتی برخورد کنند که حزب‌الله یا کسانی که حماس را پشتیبانی می‌کنند ولو اینکه ایرانی باشند، انجام می‌دهند. به‌نظر می‌آید، چنین اجازه‌ای گرفته شده، آمریکایی‌ها نمی‌توانند در این اتفاق بی‌نقش باشند، چون از لحاظ تقارن زمانی با سفر گالانت به واشنگتن همزمان بود. مجموع این موارد نشان می‌دهد تهران نیازمند بازنگری در روندی است که بعد از طوفان الاقصی یا حتی قبل از آن در پیش گرفته و گرنه با این دست فرمان اسرائیلی‌ها و ریل‌گذاری‌شان ممکن است دامنه این ترورها به داخل ایران و مقامات عالی‌تر کشیده شود. پیش از این هم در ماجرای شهادت سیدرضی موسوی این هشدار را داده بودیم که وقتی سران قوا بیانیه می‌دهند و می‌گویند ما تلافی می‌کنیم و اسرائیل هزینه این کار را می‌پردازد؛ باید تلافی می‌شد، روی فرمول تلافی بحث دارم ولی بالاخره وقتی این کارها را انجام نمی‌دهید آنها سراغ افراد بزرگ‌تری می‌روند و ممکن است سه‌ماه، پنج‌ماه یا شش‌ماه دیگر ما از ترورهای بزرگ‌تر دیگری صحبت کنیم. این اصلا بعید نیست.»

تغییر موازنه ۷ اکتبر به ضرر ایران؟

خراتیان در ادامه درباره برخی اظهارات مبنی بر اینکه ترورهای فرماندهان سپاه کور بوده، این اظهارات را اشتباه دانست و ادامه داد: «این حرف‌ها غیرعلمی است، ترور کور یعنی شما همین‌طور افراد را بزنید اما کاملا مشخص است لیستی وجود دارد. این لیست درحال تکمیل است، سیدرضی موسوی در جهت اخته کردن لجستیک ما در سوریه ترور شد. ایشان فردی بود که در تامین لجستیک محور مقاومت نقش داشت و هرکس این را انکار کند یا نادان است یا خودش را به نادانی زده است. شهید زاهدی هم نقش مهمی در اتفاقات پیرامونی حزب‌الله و سوریه داشته است. اینکه سوریه لجستیک محور مقاومت است برکسی پوشیده نیست. کسی که این حرف را می‌زند یا نادان است یا می‌خواهد از مسئولیت فرار کند.»

مدیر اندیشکده احیای سیاست درباره تحلیل‌هایی که بعد از اتفاقات اخیر و ترورها مطرح شده، مبنی بر اینکه تمام این اقدام صهیونیست‌ها پاسخی به ضربه ۷ اکتبر است نیز گفت: «این نظریه که جواب تمام این اتفاقات در ۷ اکتبر داده شده، حرف بی‌ربطی است. اگرچه اسرائیلی‌ها بعد از ۷ اکتبر ضربات سنگینی خورده‌اند، اما ضربات سنگینی هم وارد کرده‌اند. الان ما از یک غزه کاملا ویران شده صحبت می‌کنیم؛ بخش نظامی و مدنی حماس تضعیف شده و طرح‌هایی در غزه در جریان است؛ بحث بازسازی غزه، اماراتی‌ها، سعودی‌ها، طرح‌های بزرگی در جریان است، اینکه بگوییم همه چیز را به ۷ اکتبر حواله بدهیم، حرف درستی نیست و مبنایی ندارد. این‌طور نیست، اسرائیلی‌ها با پشتیبانی آمریکایی‌ها درصدد احیای موازنه وحشت و بازدارندگی خودشان هستند و در این جهت تلاش می‌کنند، اقداماتی انجام بدهند و تا الان هم در مواردی موفق بوده‌اند. ضربه ۷ اکتبر سرجای خود است، این اتفاق هم سرجای خودش است. اتفاقا حرف ما این است که قبل از ۷ اکتبر موازنه جنگ اطلاعاتی به ضرر ما بود. ۷ اکتبر این موازنه را برقرار کرد، حالا اسرائیل درحال تغییر دادن این موازنه به ضرر ماست. باید این‌طور تحلیل کرد که در ۶ اکتبر معادلات منطقه‌ای به‌شدت به ضرر تهران بود، معادله عادی‌سازی در حال اتفاق افتادن بود و ما در جنگ اطلاعاتی با اسرائیل در وضعیت خوبی قرار نداشتیم. اسرائیل در آذربایجان هم اقداماتی برای جنگ اطلاعاتی علیه ما انجام داده بود. ۷ اکتبر دری بود که به روی ما باز شد. ما از این اتفاق درست استفاده نمی‌کنیم. هر اتفاقی هم که می‌افتد به ۷ اکتبر حواله می‌دهیم. این بازگشت معادلات به قبل از ۷ اکتبر به ضرر ایران است. ما این هشدار را می‌دهیم که با ادامه این روند ممکن است به وضعی به مراتب بدتر از ۷ اکتبر برگردیم، علائمش هم دیده می‌شود.»

برای تغییر نظام محاسباتی اسرائیل باید ریل قطار را عوض کنیم

خراتیان درباره اینکه پاسخ ایران به این اقدامات صهیونیست‌ها باید چگونه باشد، توضیح داد: «واقعیت این است که ما مجموعه‌ای از خطاها بعد از ۷ اکتبر را مرتکب شدیم. این خطاها به ۷ اکتبر منجر شده است. شما نمی‌توانید دفعتا همه اینها را برگردانید. مثلا وقتی بازی شطرنج را آغاز می‌کنید، چند بار حرکت می‌کنید، ممکن است طرفین ۴۰ بار حرکت کنند، اگر در این ۴۰ بار، ۲۰ بار خطا کنید، یک دفعه به صحنه نگاه می‌کنید و می‌بینید با دو حرکت دیگر یکی از شاه‌مهره‌های شما از دست خواهد رفت. شما طبق قواعدی رفتار کرده‌اید و طبق قواعد بازی شطرنج رفتار می‌کنید و نمی‌توانید یک دفعه بازی را به هم بزنید، طبیعتا نمی‌توانید یک دفعه با اقدام دفعی، موشک‌باران، ترور و... آنچه که از دست رفته را برگردانید. یک مجموعه نظام‌مندی از اقدامات به هم پیوسته و منسجم نیاز است، یک تغییر ریل نیاز است؛ این کار نیازمند یک سازمان‌دهی است. ممکن است در روز اول جامعه این را از ما مطالبه کند که سریع پاسخ بدهیم، موشک‌باران کنیم، یا حمله کنیم؛ این طبیعی است اما آن چیزی که خردمندان و اهل فن مطالبه می‌کنند، تغییر ریل و جهت‌گیری‌ها و تغییر معماری‌ها و استراتژی‌هاست. برای این امر باید مجموعه منسجمی از اقدامات اطلاعاتی، سیاسی، دیپلماتیک و نظامی انجام شود که در یک درهم‌پیوستگی باشد، طوری که نظام اطلاعاتی در تل‌آویو و واشنگتن تغییر کند؛ مثل قطاری که ریل را عوض کرده است. می‌گویند مسیر این قطار عوض شده است؛ درست است که الان اول راه است ولی یک ساعت دیگر، دو روز دیگر این قطار به این نقطه می‌رسد. مثلا دو ماه دیگر و سه ماه دیگر ممکن است سه تا از مقامات ما مورد هدف قرار بگیرند یا موازنه در جنگ اطلاعاتی به ضرر اسرائیل تغییر کند. این مهم است و اگر این تغییر را آغاز کنیم؛ که از نوع سازماندهی جلسات ما در شورای عالی امنیت ملی در سطح جلسات کارشناسی و خرد تا سطح متوسط و عالی و بالا شروع می‌شود؛ سرویس‌های اطلاعاتی دشمن کاملا متوجه می‌شوند که تهران در حال آماده شدن برای مجموعه‌ای از اقدامات است تا اسرائیل را در آمپاس و فشار قرار دهد. این اهمیت دارد. این چیزی است که ما مطالبه می‌کنیم و می‌خواهیم وگرنه اقداماتی نظیر اینکه با چهار تا موشک اربیل را بزنیم یا پاکستان یا عین‌الاسد را بزنیم که قبلا انجام داده‌ایم و بازدارندگی نداشته است. اما چیزی که نظام محاسباتی طرف مقابل را تغییر دهد، مجموعه‌ای از اقدامات نظام‌مند است که باید با فکر و طراحی‌های عمیق انجام شود. ما نمی‌گوییم که امروز یا فردا بزنیم، می‌گوییم بروید خودتان فکر کنید، وقت بذارید، طراحی کنید ولی بعد از یک سال روندی به من نشان دهید که به خوبی نشان دهد موازنه تغییر کرده است.»

صبر استراتژیک، بی‌هوا و بی‌عمل رفتار کردن نیست

خراتیان بهترین پاسخ به اقدامات صهیونیست‌ها را تغییر روند فعلی در مواجهه با اسرائیل دانست و توضیح داد: «هرکس روندهای دو سه سال اخیر را تحلیل کند، متوجه پیش آمدن طرف مقابل در ترور مقامات ارشد امنیتی ماست که هر بچه‌ای این موضوع را متوجه می‌شود. ما می‌خواهیم این روند معکوس شود، حالا با هر روش و ابزاری که خودتان تشخیص می‌دهید و در آن توانمندی دارید. دستگاه‌های امنیتی ما خودشان بهتر می‌دانند که چه جاهایی نقطه قوت‌شان است، پس بروند کار کنند و ریل و روند را عوض کنند. ما این را می‌خواهیم و جامعه هم بعد از فروکش کردن احساساتش بعد از مدت یک سال آن تغییر روند را متوجه می‌شود. به نظر من این کار بزرگ‌ترین پاسخ است و جنس اقدامات‌مان هم نباید از جنس حرف‌های شعاری مثل بیرون راندن آمریکایی‌ها از منطقه غرب آسیا و... باشد. بلکه باید یک برنامه ایجابی باشد و چیزی که بشود برایش مراحل ارزیابی تعریف کرد و گام به گام بشود آن را چک و بررسی کرد. چیزی که خیلی فضایی و ناممکن باشد فایده‌ای ندارد. بلکه باید روند حذف هدفمند مقامات امنیتی ایران متوقف شود و بلکه برعکس شود و روند برخورد با عناصر ذی‌نفوذ طرف مقابل اتفاق بیفتد. حالا ممکن است یک سال و نیم یا دو سال طول بکشد. این چیزی است که کاملا در دسترس است. هم می‌شود برایش برنامه‌ریزی کرد و هم می‌شود به افکار عمومی آن را نشان داد و فروخت. آنجا افکار عمومی می‌گوید بله، این روند نه‌تنها متوقف شده‌است بلکه به ضرر طرف مقابل هم شده. «صبر استراتژیک» که از آن حرف زده می‌شود، دقیقا همین است. صبر استراتژیک یعنی شما یک برنامه منسجم و ایجابی دارید و حاضرید برای رسیدن به میوه آن صبر کنید. اما برخی از صبر استراتژیک‌هایی که آقایون می‌گویند همین بی‌هوا عمل کردن و بی‌هدف عمل کردن و حواله دادن به یک روز قیامت و زمان نامعلومی است که هیچ‌وقت اتفاق نمی‌افتد. اما این اسمش اهمال، تنبلی و حتی بی‌غیرتی است.»

خراتیان در انتها به این موضوع اشاره کرد که نباید این ترورها را دست‌کم گرفت و گفت: «سیستم نباید تحولاتی که پیرامون ایران اتفاق می‌افتد را دست‌کم بگیرد. این ترورها در چهارچوب یک مجموعه منسجم از اقداماتی است که برای کنترل و مهار بلندمدت ایران طراحی شده است. اینکه بگوییم اسرائیل از سر استیصال این کارها را می‌کند و چون در غزه شکست خورده است این کارها را می‌کند، حرف‌های غلطی است. یک برنامه منسجم بلندمدت برای ایران است. بله، اسرائیل در ۷ اکتبر ضربه سنگینی را دریافت کرد؛ قبول، اما این به هیچ عنوان به این معنی نیست که برنامه‌های قبلی خود را متوقف کرده است. ابر معامله عادی‌سازی همچنان با اشکال، با تاخیر، با تعلیق و شدت و ضعف و تصحیح‌هایی در فرمول معامله در جریان است. باید حواس‌مان باشد که با این عقب انداختن‌ها و تحلیل‌های غلط و عدم آمادگی در برابر اقدامات دشمن چندسال بعد چشم باز نکنیم و یکباره ببینیم با منطقه‌ای مواجهیم که همه معادلاتش به ضرر ماست و با یک محور مقاومت فروپاشیده مواجه هستیم. این تحلیل‌های غلطی که معلوم نیست آبشخورشان از کجاست. حرف‌هایی نظیر اینکه نتانیاهو به قدرت چسبیده و با این اقدامات می‌خواهد دستاوردسازی کند، درست است اما اگر آن طرح کلانی که قبل از ۷ اکتبر در منطقه در جریان بود را نبینیم باعث می‌شود که خطاهایی انجام دهیم، کما اینکه انجام داده‌ایم و چشم باز می‌کنیم و می‌بینیم چیزی از محور مقاومت باقی نمانده است.»

گزارش آماری «فرهیختگان» از بازدید مردم از اماکن تاریخی در نوروز امسال

عید تاریخی با حافظ و سعدی و بقیه

زینب مرزوقی
خبرنگار گروه نقد روز

کارشناسان حوزه گردشگری معتقدند که سفر، گردشگری و جهانگردی به مثابه یک امر اجتماعی برای انسان معاصر است و نباید سفر را تنها به عنوان یک گشت‌وگذار دید. بلکه در تحلیل سفر و توسعه گردشگری باید جنبه اجتماعی آن را نیز درنظر گرفت و توسعه آن به جز آثار اقتصادی، آثار اجتماعی و فرهنگی بسیاری دارد. از آنجایی که جهانگردی و گردشگری یک پدیده اجتماعی به حساب می‌آید، یکی از اشکال زندگی معاصر است و هر آمار یا ارقامی که درباره این پدیده منتشر می‌شود، تنها یک عدد و رقم نیست و تحلیل فرامتنی دارد. چگونه؟ آمارهای رسمی می‌گویند که تعطیلات نوروز ۱۴۰۳ برای اماکن گردشگری و میراث فرهنگی پررونق بود و از همین ابتدای سال علی‌رغم تمام مشکلات اقتصادی اما مردم از فرصت تعطیلات نوروزی استفاده کرده‌اند و گردشگری داخلی پس از یک دوره طولانی خفقان کرونایی و تنش‌های سیاسی- اجتماعی ۱۴۰۱ امسال بالاخره نفس تازه کرده است.

اگر بخواهیم در تحلیل اجتماعی-فرهنگی آشتی دوباره مردم با اماکن گردشگری داخلی دقیق شویم، این استقبال مردم از فرصت تعطیلی عید و بازدید از اماکن گردشگری را می‌توان یک شادی جمعی و نسبی تحلیل کرد. مردم ایران بالاخره پس از عبور از روزهای سیاه و پراضطراب قرنطینه در ایام کرونا و دور شدن از فضای مسموم و تلخ اجتماعی سال‌های اخیر، امسال مجددا مانند سال‌های پیش از کرونا اما آمارهای قابل‌توجهی در بازدید از اماکن گردشگری ثبت کردند.

این ثبت آمار بالا درحالی رقم خورد که ما همزمانی تعطیلات عید نوروز و ماه رمضان را هم داشتیم و بالاخره احتمال می‌رفت که از فرصت تعطیلی عید نوروز استقبال خوبی صورت نگیرد اما علاوه بر اینکه شهرهای مذهبی مانند مشهد میزبان ۹ میلیون و ۷۰۰ مسافر بود، حافظیه شیراز نیز با ثبت بالغ بر ۳۴۵ هزار بازدیدکننده در سرلیست اماکن پربازدید تاریخی قرار گرفت. می‌توان گفت مردم هرکدام بنا به سلیقه و نیاز خود به یک نقطه از کشور سفر کرده بودند و تجمع مسافر و گردشگر تنها در یک نقطه از کشور صورت نگرفته است. وزارت میراث فرهنگی و گردشگری لیستی با عنوان ۳۰ مکان گردشگری و فرهنگی پربازدید امسال را در اختیار «فرهیختگان» قرار داده است. در این لیست نام اماکن گردشگری و میراث فرهنگی استان‌های مختلف ثبت شده است. این تنوع مقاصد توسط بازدیدکنندگان نشان می‌دهد مردم بدون سوگیری و با توجه به ضروریات یا با درنظر گرفتن علاقه‌مندی به یک شهر یا استان مورد نظر به سفر رفته‌اند.

تلاش برای کم کردن شوق مردم به مسافرت

برخی گروه‌ها و جریانات سعی داشتند حتی در روند گردشگری مردم نیز اخلال به وجود بیاورند و با سوگیری‌های سیاسی، تلاش می‌کردند این پیام را برسانند که مردم مثلا با حضور در حافظیه شیراز و عدم حضور در اماکن مذهبی، سعی دارند تا انتقادات خود را به گوش مسئولان برسانند. درحالی‌که اساسا بسیاری از مردم به هنگام بازدید از اماکن گردشگری و تاریخی حتی به چنین گمانه‌ها و تحلیل‌هایی هم نمی‌اندیشند و همان مردمی که در حافظیه شیراز حضور پیدا می‌کنند، همزمان از مسجد نصیرالملک نیز بازدید می‌کنند. یا آنهایی که عرق ملی به تخت جمشید دارند، لزوما مشکلی با حکومت ندارند. واقعیت این است که مردم آثار ملی و میراث فرهنگی خود را دوست دارند و اگر شرایط اقتصادی به سفره‌هایشان فشار نمی‌آورد، در تعطیلی‌های دیگر هم همین حضور را رقم می‌زنند.

چه‌بسا اینکه حتی همین حالا و با توجه به شرایط نامطلوب اقتصادی، بسیاری از مردم سفر را اساسا آسان می‌گیرند. مستندات این ادعا نیز چادرهای مسافرتی مردم در ایام نوروز است. یعنی بسیارند افرادی که برای رقم زدن یک حال خوش درکنار خانواده، یک شادی جمعی، یک شوق از دیدن اماکن تاریخی و شعف برای شکوه ایرانی و یا حتی یک اشک برای زیارت از یک بارگاه مذهبی، لوازم ساده یک سفر چندروزه را در ماشین جمع می‌کنند و به همراه خانواده دل به جاده می‌زنند و به ساده‌ترین شکل ممکن سفر می‌روند. یعنی سفر برای خیلی از خانواده‌های ایرانی، لزوما اقامت در یک هتل یا بومگردی لاکچری یا خوردن غذاهای گران نیست. گاهی تفسیر ساده درکنار هم بودن و لذت از ایرانی بودن است و از قضا امسال همین تفسیر هم تفسیر برنده بود.

علاوه‌بر تمام این موارد البته ناگفته نماند که امسال سفرهای نوروزی و بازدید از اماکن گردشگری بدون هیچ‌گونه حواشی سیاسی صورت گرفت و تلاش مسئولان فرهنگی برای برقرار بودن جو آرام اجتماعی هم کاملا مشهود بود. مردم نیز این تلاش و البته فرصت ارزان بودن بنزین را مغتنم شمردند و بار دیگر نشان دادند اگرچه دلخوری‌ها و گله‌هایی هم وجود دارد اما نقطه اشتراک تمام‌مان علاقه به ایران است. گاهی این عرق با تعصب به تمامیت ارضی است و گاهی با بازدید اماکن گردشگری و فرهنگی نشان داده می‌شود.

کمک به بزرگ شدن سفره‌های همدیگر

همانطور که حضور پررنگ مردم در اماکن گردشگری نشان‌دهنده علاقه مردم به آثار ملی و میراث فرهنگی است، در عین حال نشان می‌دهد که مردم کشورمان اساسا به تلاش برای دلسردی‌شان برای رقم نخوردن یک شادی جمعی، بی‌توجهند. در فرصت بازدید و گشت‌وگذار و دیدن ایران، در صورت توان کم نمی‌گذارند. البته پیام روشن بازدیدکنندگان بالای عید امسال خبر از رونق گردشگری داخلی می‌دهد. حضور گردشگر جنبه اجتماعی و فرهنگی دارد اما آنچه که چشمگیر و قابل‌توجه است، جنبه اقتصادی آن است. رونق گردشگری داخلی یعنی رونق کسب‌وکارهای کوچک و کمک به اقتصاد جامعه میزبان. درعین اینکه سفر یعنی تبادل فرهنگ‌های مختلف با یکدیگر و کمک به تاب‌آوری جمعی و یادگیری زندگی در میان آداب و فرهنگ متفاوت، اما گردش اقتصاد در رونق گردشگری داخلی، سرآخر به جیب خودمان بازمی‌گردد و سفره هموطن خودمان که بزرگ شود، به بیشتر شدن معاش‌مان هم کمک می‌کند.

اقبال مردم به بازدید از یادمان‌های تاریخی مشاهیر در ایام نوروز

آمارهای وزارت میراث فرهنگی و گردشگری از ۳۰ مکان پربازدید در ۱۳ روز تعطیلی عید نوروز نشان می‌دهد که پربازدیدترین مکان از این لیست،

ادامه در صفحه ۷

مهدی خانعلی‌زاده، تحلیلگر مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

اسرائیل پاسخ اقداماتش را قبلا گرفته است

فرهیختگان حمله تروریستی اسرائیل به کنسولگری ایران در سوریه و شهادت هفت تن از نیروهای مستشاری سپاه ازجمله شهید محمدرضا زاهدی و شهید محمدهادی حاجی‌رحیمی موجی از مطالبات مردمی برای واکنش متقابل ایران را در فضای رسانه‌ای برانگیخته است. در این میان برخی کارشناسان معتقدند نباید با رویکردی هیجانی و صرفا با اتکا به مطالبات رسانه‌ای دست به اقدامات مقطعی زد. مهدی خانعلی‌زاده، تحلیلگر مسائل بین‌الملل ازجمله این چهره‌هاست. او در صفحه اینستاگرام خود بر این گزاره تاکید کرده سیاست خارجی برای خنک کردن دل نیست. خانعلی‌زاده اجتناب از ورود به درگیری با طالبان در ماجرای حمله به سفارت ایران در افغانستان و همچنین همکاری با آمریکا برای مدیریت فضای اجتماعی عراق پس از اعدام صدام را مواردی از اجتناب از رویکردهای هیجانی دانسته و در مورد حمله رژیم صهیونیستی به کنسولگری ایران در سوریه نیز معتقد به اجتناب از اقدامات هیجانی است. در گفت‌وگویی که با مهدی خانعلی‌زاده داشتیم، ضمن بررسی چرایی این اقدام کم‌سابقه از جانب رژیم صهیونیستی چگونگی یک واکنش متقابل عاقلانه دربرابر این اقدام مورد بررسی قرار گرفته است.

اسرائیل نیاز دارد زمین بازی را عوض کند

خانعلی‌زاده در تشریح چرایی هدف قرار دادن کنسولگری ایران توسط رژیم صهیونیستی گفت: «اقدامی که روز دوشنبه اسرائیل انجام داد از هر بعدی بسیار عجیب و کم‌سابقه است. حمله با جنگنده به یک ساختمان دیپلماتیک و کشتن مقامات بلندپایه حاضر در آن یک اقدام بسیار معدود در تاریخ است که همیشه با بازخوردهای منفی روبه‌رو شده است. بنابراین مشخص می‌شود اسرائیل دچار یک مساله بسیار مهم است که دست به این اقدام زده و احتمالا هم یک نتیجه بسیار مهم را از این اقدام دنبال می‌کند اما در مورد چرایی آن تحلیل غالب این است که رژیم صهیونیستی در جنگ غزه الان به بن‌بست رسیده است، یعنی تمام فرآیندهایی که الان رخ می‌دهد در ابعاد مختلف سیاسی، حقوقی، نظامی و رسانه‌ای به اسرائیل آسیب زده است. شرایط به‌گونه‌ای است که اسرائیل بازنده جنگ محسوب شده و به بن‌بست رسیده است.»

او به این پرسش که سند تایید این ادعا چیست، این‌گونه پاسخ داد: «اگر تمام اندیشکده‌های معتبر غربی و حتی حامی رژیم را بررسی کنیم، حتی یک مطلب پیدا نمی‌کنیم که اسرائیل را برنده جنگ کنونی معرفی یا حتی اعلام کند دست برتر را داشته است. بسیاری از این اندیشکده‌ها مثل شورای راهبردی روابط خارجی آمریکا که حامی اسرائیل هم هستند، مطالبی که می‌نویسند بیانگر این است چه کارهایی می‌تواند راهبرد اسرائیل را تغییر دهد و این دولت را از وضعیتی که در آن گرفتار شده، خارج کند، یعنی حتی حامیان رژیم هم معتقدند فرآیند جنگ غزه دارد به‌ضرر اسرائیل پیش می‌رود. در چنین بن‌بستی اسرائیل نیاز دارد زمین بازی را عوض کند. با این مقدمه می‌شود بهتر فهمید چه فرآیندی رخ داد. یک اقدام کم‌سابقه و غیرمعقول رخ داد. سابقه نداشته حمله به سفارت ایران در کشورهای منطقه اتفاق بیفتد، آن هم یک حمله نظامی با جنگنده که منجر به شهادت مقامات ارشد نظامی ما شد. ناکامی اسرائیل در بن‌بست‌شکنی جنگ غزه باعث شده دست به این اقدام بزند تا شاید زمینه برای برخی اقدامات دیگر در منطقه فراهم شود که شاید دست اسرائیل برای کمک گرفتن از طرف غربی بازتر شود. چیزی هم که از خروجی شبکه‌های غربی می‌بینیم موید همین مساله است.»

باید خودمان را در موجودیتی به نام شبکه مقاومت ببینیم

این تحلیلگر مسائل بین‌الملل درمورد اینکه واکنش ایران به اقدام رژیم صهیونیستی چگونه باید باشد، معتقد بود باید تمام اقدامات جبهه مقاومت را منتسب به یک شبکه واحد دانست و در اینباره توضیح داد: «باید از ما تعریف دقیقی داشته باشیم. آیا می‌خواهیم ماجرای واکنش به حمله اسرائیل را به ایران تقلیل بدهیم یا این را به شبکه مقاومت گسترش دهیم؟ خروجی اقداماتی که شبکه مقاومت انجام داد، باعث شده زمینه روابط دیپلماتیک ایران و عربستان فراهم شود، یعنی اقدامی که بخشی از شبکه مقاومت به نام انصارالله علیه تاسیسات نفتی عربستان انجام داد که گفته می‌شود تهران اطلاع مستقیمی نیز از آن نداشته است، فضایی را فراهم کرد که به تامین منافع ملی ایران انجامید. حالا همین را در ماجرای سوریه بررسی کنیم. آیا منظورمان از اینکه ایران واکنشی نشان نمی‌دهد، این است که جمهوری اسلامی ایران از ادوات نظامی خودش برای هدف قرار دادن منافع صهیونیست‌ها در منطقه یا در خاک فلسطین اشغالی استفاده کند یا اینکه منظورمان این است منافع صهیونیست‌ها در همه جا توسط شبکه مقاومت زیرسوال رفته باشد. در چنین شرایطی است که می‌فهمیم طوفان الاقصی به عنوان بزرگ‌ترین شکست تاریخ اسرائیل عامل ازبین برنده تمام قدرت نرم رژیم و افسانه شکست‌ناپذیری اسرائیل در منطقه محسوب می‌شود. اگر در تحلیل‌های خودمان «ما» را موجودیتی به نام شبکه مقاومت تعریف کنیم، اسرائیل نه‌تنها جواب گرفته، بلکه فراتر از آن همه اقدامات رژیم واکنشی به اتفاقات محسوب می‌شود، مثلا روی سنگ قبر شهید طهرانی مقدم نوشته شده اینجا کسی دفن شده که آرزو دارد اسرائیل نابود شود. حالا انتقام شهید طهرانی مقدم با کشتن افسر هم‌رده اسرائیلی گرفته می‌شود یا با نابودی آن؟ یعنی اگر ایران اعلام کند که توانسته ژنرال الف را که فردی هم‌رده شهید تهرانی مقدم است مورد هدف قرار بدهد، آیا عملش مصداق واکنش و انتقام تلقی می‌شود یا اینکه با انجام عملیات طوفان الاقصی توسط شبکه مقاومت زمینه تضعیف و نابودی اسرائیل فراهم شود؟ نظر من دومی است. به نظر من در چنین شرایطی نه‌تنها انتقام ترورها گرفته شده، بلکه اساسا آن ترورها انتقام اقدامات ایران بوده است.»

واکنش ایران نباید هیجانی و دل خنک‌کن باشد

خانعلی‌زاده در ادامه به عدم تطابق اظهارات غیرواقعی برخی مقامات با اقدامات رخ داده نیز اشاره کرد و در مورد اولویت داشتن منافع ملی گفت: «اقناع افکار عمومی مطلبی جدا از تامین منافع ملی است. من نظرم این است که مقامات در بیان‌های رسانه‌ای خودشان اشتباهات جدی مرتکب می‌شوند اما اینکه افکار عمومی باید نسبت به چگونگی و چرایی عملیات‌ها متناسب با شرایط مختلف قانع شود، امر دیگری است. اما ما باید منافع ملی را درنظر بگیریم. من دو مثال تاریخی مطرح می‌کنم. تصور کنیم همین الان خبر بیاید که طالبان به کنسولگری ایران در افغانستان حمل کرده و تمام دیپلمات‌های ما را شهید کرده است. واکنش بخشی از افکار عمومی چیست؟ باید اقدام متقابل انجام دهیم، طالبان یک گروه کوچک است، چرا ضعیف شدیم، انتقام چه می‌شود و از این قبیل اما چنین شرایطی ۲۵ سال پیش رخ داد.

واکنشی که توسط رهبر انقلاب طراحی شد در کتاب عزیمت به تهران آقای لورت این‌گونه توصیف شده است که کل ایران برای درگیری نظامی آماده شده بودند ولی شخص رهبر انقلاب اجازه این کار را نداد. مثال بعد حمله نیروهای نظامی آمریکا به عراق و سرنگونی صدام است اما در مدیریت جامعه عراق دچار مشکل شد. برای اینکه بتواند تبعات بعد از فروپاشی رژیم بعث را مدیریت کند از ایران تقاضای کمک کرد. اگر چنین مساله‌ای همین الان مطرح شود بخشی از واکنش‌ها این است که ما نباید کمک کنیم اما کاظمی، سفیر وقت ایران در عراق در همان زمان چند جلسه رفت و اتفاقا کار را هم پیش برد. اتفاقی که با درایت رهبری رقم خورد. خروجی این بود که کشور عراق به عنوان کشوری که در زمان صدام معضل امنیتی برای ایران بود تبدیل شده است به کشور دوست و همراه که اتفاقا بخشی از اقدامات شبکه مقاومت را جلو می‌برد. بنابراین نگاه لحظه‌ای و موردی که می‌گوید یک فرد شهید شده باید یک فرد کشته شود تامین‌کننده منافع ملی نیست. هم نظریه روابط بین‌الملل این را تایید می‌کند هم تاریخی که داشتیم این را تایید می‌کند. در این رابطه مثال بین‌المللی هم داریم. ترکیه با روسیه یک درگیری داشت که پدافند ترکیه جنگنده روس را ساقط کرد و خلبانش هم کشته شد. همان زمان مقامات روسیه مصاحبه کردند و گفتند واکنش نشان می‌دهیم اما همان روسیه چند سال بعد از همان دولت طرف دعوا و شخص اردوغان حمایت کرد و برای پیروزی‌اش در انتخابات تلاش کرد، آیا این به معنای این است که انتقام فرد گرفته نشده است؟ خیر. باید صحنه شطرنج نظام بین‌الملل را چندبعدی دید. انتقام اقدامات اسرائیل علیه منافع ملی ایران باید در چندبعد تحلیل شود. من مخالف واکنش نشان دادن نیستم اما معتقدم این واکنش نباید هیجانی و مبتنی بر یک بستر رسانه‌ای باشد. چون این واکنش نباید دل‌خنک‌کن باشد. اگر خبر بیاید که شبکه مقاومت توانسته وزیر جنگ رژیم صهیونیستی را به هلاکت برساند ما خوشحال می‌شویم اما اگر این ماجرا منجر به این شود که آمریکا از تشتت فعلی خارج شده و تمام‌قد از اسرائیل حمایت کند و مناسبات منطقه‌ای به نفع آمریکا تغییر کند منافع ملی ایران تامین نمی‌شود. فضای هیجانی و احساسی به منافع ملی آسیب می‌زند. وقتی ماجرای حمله به پاکستان رخ داد دیدیم که منافع ملی آسیب دید اما دل‌مان خنک شد که چندتا تروریست را زدیم. آیا این به پیشبرد اهداف کمک کرد و باعث گرفتن انتقام شهدای تروریستی کرمان شد. نیاز است که کار را از سطح مطالبه‌گری هیجانی به سمت مطالبه‌گرایی عقلایی ببریم. در این صورت قطعا خروجی هم منافع ملی را تامین می‌کند. به نظرم رفتارهایی که روسیه در جنگ اوکراین داشت می‌تواند مدل مطلوبی برای ما باشد تا ما هم متناسب با شرایط بومی خودمان از آن راهبردی استخراج کرده و آن را پیاده‌سازی کنیم.»

جبران شهادت سردار زاهدی با ترور یک فرمانده اسرائیلی تقلیل ماجراست

مصادیق تاریخی و بین‌المللی خانعلی‌زاده از کنش‌های عقلانی در برابر بحران‌ها این سوال را به وجود می‌آورد که آیا در مواقعی که اقدامات تقابلی از سطح استثنا فراتر رفته و مدام توسط یک دولت تکرار می‌شود دولت مقابل بازهم باید از اقدامات دفعی بپرهیزد. اگر چنین رویکردی را بپذیریم اقدام تقابلی ایران در زدن پایگاه عین‌الاسد پس از ترور شهید سلیمانی که یک مطالبه رسانه‌ای بود چگونه قابل توجیه است. خانعلی‌زاده به این پرسش این‌گونه پاسخ می‌دهد: «می‌تواند این اتفاق هم بیفتد به شرط اینکه به کلان راهبرد اصلی آسیب نزنند. اگر این واکنش مقطعی به آن راهبرد کمک کند خیلی هم خوب است اما اگر آسیب بزند قطعا اقدام مناسبی نیست ضمن اینکه هر پرونده شرایط خاص خودش را دارد. من درمورد واکنش به ترور شهید سلیمانی تحلیل متفاوتی دارم اما اگر درک کنیم که اقدامات فعلی اسرائیل واکنش بوده و نه کنشی نوع مطالبه تغییر پیدا می‌کند. قرار بوده موجودیت اسرائیل توسط کشورهای عربی به رسمیت شناخته شود و معضل امنیتی چند ده ساله صهیونیست‌ها حل شده و آنها در منطقه غرب آسیا هویت پیدا کنند. این فرآیند به دلیل اقداماتی که ایران و شبکه مقاومت انجام داده کنار گذاشته شده است. عصبانیت ناشی از این کنش ایران است که اسرائیل را به واکنش وادار کرده است. اگر از این منظر نگاه کنیم متوجه کلان بودن ماجرا می‌شویم و آن وقت متوجه می‌شویم که جبران شهادت سردار زاهدی با ترور یک فرمانده نظامی اسرائیلی تقلیل ماجراست. این بخشی از یک پازل راهبردی است. این حرف من نیست و در تحلیل مقامات و اندیشکده‌های غربی هم می‌توان آن را مشاهده کرد. فارن پالیسی هفته گذشته مقاله‌ای منتشر کرد و نوشت رهبر ایران الگویی از مقاومت را در منطقه پیاده‌سازی کرده است که الان دارد اسرائیل را آزار می‌دهد و این طراحی آنقدر قوی است که حتی بعد از آیت‌الله خامنه‌ای هم ادامه پیدا خواهد کرد. طرف غربی از خوشایند ما این حرف را نمی‌زند و در مطلب هم انبوهی از توهین‌ها را به ما می‌کند اما اعتراف می‌کند که طراحی شکل گرفته به منافع ملی آمریکا آسیب زده است. در چنین فضایی اگر از شهید زاهدی، شهید طهرانی مقدم یا شهید سلیمانی سوال بشود آنها نیز موافق این نیستند که این طراحی به خاطر یک کار مقطعی زایل شود.»

تفاوت در درک میدان، عامل تفاوت موضع‌گیری در قبال دولت قبل با دولت فعلی است

اگر قرار باشد منطق ارائه‌شده توسط خانعلی‌زاده را بپذیریم این پرسش به وجود می‌آید که چرا در دولت قبل چنین رویکردی به انفعال تلقی می‌شد. این تحلیلگر مسائل بین‌الملل این ابهام را این‌گونه رفع می‌کند: «بازهم تاکید می‌کنم که این به معنای اینکه ایران کاری بکند یا نه نیست. ممکن است در روزهای آتی ایران واکنش محکمی نشان دهد اما مطالبه نباید این باشد که اگر آنها یک نفر را زدند ما هم باید یک نفر را بزنیم. مطالبه این باشد که آنها دارند علیه ما می‌جنگند ما هم باید علیه آنها بجنگیم. تفاوتی که بین رفتار دولت قبل و دولت فعلی وجود دارد همین است. دولت فعلی امید ندارد به قیمت موی دماغ نشدن برای صهیونیست‌ها بتواند نظر آمریکا را جلب کند اما دولت قبلی چنین امیدی داشت. می‌گفت هیچ‌کاری نکنیم، روی موشک‌ها مرگ بر اسرائیل ننویسیم تا رابطه ما با آمریکا به هم نخورد الان که چنین شرایطی نداریم بنابراین نباید دوباره همان وزن مطالبه‌گری که در زمان دولت پیشین داشتیم را داشته باشیم.»

حافظیه شیراز است. آنچه که در این بین قابل توجه است، تنوع بالای امکان پربازدید است. یعنی مردم همزمان هم نسبت به بازدید از مقبره بوعلی‌سینا اقبال داشته‌اند و هم زیگورات چغازنبیل. هم به کاخ نیاوران رفته‌اند و هم فین کاشان.

البته این بازدیدها باید برای وزارت میراث فرهنگی و گردشگری محل تامل و برنامه باشد. از آنجایی که اقبال عمومی از بازدید از اماکن تاریخی بالاست، حالا باید یک برنامه جدی برای مرمت و بازسازی اماکن تاریخی ارائه شود. یعنی کار مرمت و البته حفاظت از اماکن تاریخی تنها با یک کاشی تعویض کردن نباید بسنده شود و برای حفظ و نگهداری میراث تاریخی، باید یک برنامه جدی پیش گرفته شود.

فاطمه داوری، مدیرکل حفظ و احیای بناها، بافت‌ها و محوطه‌های تاریخی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» می‌گوید: «در نوروز امسال بناهای تاریخی و یادمان‌های تاریخی مشاهیر با بازدید گسترده مردم مواجه بود. اقبال مردم به بازدید از یادمان‌های تاریخی مشاهیر به گونه‌ای بود که آرامگاه حافظ و آرامگاه سعدی در کسوت پربازدیدکننده‌ترین آثار، موزه‌ها و پایگاه‌ها در نوروز امسال قرار گرفتند. آرامگاه حافظ با بالغ‌بر ۳۴۵ هزار نفر بازدیدکننده در نوروز و میانگین بالغ‌بر ۲۸ هزار نفر در هر روز در رده اول، بیشترین تعداد بازدیدکننده را دارا بود و آرامگاه سعدی با بالغ‌بر ۲۰۵ هزار نفر بازدیدکننده و میانگین بالغ‌بر ۲۸ هزار نفر در هر روز در رده سوم بیشترین تعداد بازدیدکننده در بین سایر موزه‌ها، پایگاه‌ها و بناهای تاریخی قرار داشتند.»

داوری همچنین در این گفت‌وگو اشاره می‌کند: «آرامگاه فردوسی با بالغ‌بر ۸۱ هزار نفر بازدیدکننده، آرامگاه خیام با بالغ بر ۳۶ هزار بازدیدکننده، آرامگاه بوعلی سینا با بالغ‌بر ۳۵ هزار بازدیدکننده، آرامگاه باباطاهر با بالغ‌بر ۲۸ هزار بازدیدکننده و آرامگاه عطار با بالغ‌بر ۲۱ هزار نفر بازدیدکننده درزمره مهم‌ترین یادمان‌های تاریخی مشاهیر ادبی ایران بودند که از روز اول فروردین تا ۱۲ فروردین مورد توجه و بازدید مردم فرهنگ‌دوست در سرزمین ادب‌پرور ایران قرار گرفتند.»

۳۰ مجموعه دارای بیشترین تعداد بازدید کننده در ایام نوروز ۱۴۰۳ (بناها و محوطه های تاریخی- پایگاه های ملی و جهانی- موزه ها)

ردیف	عنوان مجموعه	تعداد بازدید کننده (نفر)	ردیف	عنوان مجموعه	تعداد بازدید کننده (نفر)
١	فارس- آرامگاه حافظ	٣٤٥٦٩٢	١٦	کرمان- باغ شازده ماهان	٦٤٨٢٩
٢	فارس- تخت جمشید	٢٩١٩٨٩	١٧	فارس- حمام وکیل	٥٦٣٨٤
٣	فارس- آرامگاه سعدی	٢٠٥٥٦	١٨	اصفهان- منارجنبان	٥١١٧٠
٤	تهران - سعد آباد	١٤٢٢٣١	١٩	کرمانشاه- بیستون	٤٣٧٣٧
٥	فارس- ارگ کریمخان	١٢٤٨٧٩	٢٠	آدربایجان شرقی-موزه سنت استپانوس	٤١٢٨٦
٦	اصفهان- کاشان- باغ فین	١٢٢٤٣٢	٢١	خوزستان- میراث جهانی شوش	٣٩٦٦٤
٧	اصفهان- چهلستون	١١٥٦٧٠	٢٢	فارس- نقش رستم	٣٨٤٠٤
٨	فارس- پاسارگاد	١١٤٧٨٩	٢٣	خراسان رضوی- نیشابور- آرامگاه خیام	٣٧٤٥٣
٩	خوزستان- سازه های آبی شوشتر	١٠٧١٠٧	٢٤	یزد- زندان اسکندر	٣٦٢١١
١٠	اصفهان - عالی قاپو	١٠٢٨٦٥	٢٥	همدان- آرامگاه بوعلی	٣٥٩٩٨
١١	لرستان- قلعه فلک افلاک	٩٩٥٧٩	٢٦	یزد - خانه لاری ها	٣٥٠٦٦
١٢	تهران- کاخ گلستان	٩٦٨٣١	٢٧	اصفهان- مسجد امام(ره)	٣١٠٣٢
١٣	کرمانشاه- طاق بستان	٩٣٦٨٢	٢٨	اصفهان- کاشان- خانه بروجردی ها	٣٠٨٠٢
١٤	خراسان رضوی- آرامگاه فردوسی	٨١٩٤٠	٢٩	کرمان- ارگ بم	٣٠٠٤٥
١٥	تهران- کاخ نیاوران	٧٤٦٨١	٣٠	همدان- آرامگاه بابا طاهر	٢٨٩٠٢

فرهیختگان farhikhtegan

ادامه از صفحه ۲